

## سیر اندیشه‌های معماران دوره پهلوی، کاربرست تحلیل محتوا

سمانه سلطان‌زاده\*\*، مسعود یوسفی تذکر\*\*\*، ایمان رئیسی\*\*\*، مصطفی کیانی هاشمی\*\*\*

تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۱/۱۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۴/۲۰



## چکیده

مطالعه تاریخ معماری، کوششی نقادانه به منظور فهم معماری است. معماری دوره پهلوی، سرآغازی برای جریان معماری مدرن ایران است. هدف این پژوهش، شناخت اندیشه‌های تأثیرگذار بر دگرگونی‌های ایجادشده در معماری این دوره است. تأمل در پیشینه‌های مطالعات معماری پهلوی مؤید خلأهایی نظیر عدم توجه به یافته‌های محققین قبلی و تکرار برخی موضوعات ثابت است؛ لذا پژوهش حاضر سعی نموده با تحلیل تحقیقات پیشین، بتواند انسجامی بین یافته‌های معماری دوره پهلوی تاکنون ایجاد نماید. روش تحقیق مورداستفاده به صورت ترکیبی از استدلال‌های منطقی و تحلیل محتوا است. نتایج تحقیق مؤید آن است که در معماری دوره پهلوی نیز، اندیشه‌های معماران به مثابه رکن اساسی عمل می‌کند و از طریق آنان می‌توان نحوه تغییرات شکلی و محتوایی جریان معماری پهلوی را تبیین کرد. سیر اندیشه معماران دوره پهلوی در هفت حوزه تقویت مبانی نظری معماری، تغییر آموزش معماری، نحوه بهره‌گیری از معماری سنت، تأمین مسکن، اندیشه‌های متأثر از معماران خارجی، ایجاد فضای گفت‌وگو و اشتغال خلاصه می‌شود. درنهایت این که معماری دوره پهلوی اگرچه مسیری تکاملی طی نکرده است ولی نمود کالبدی اندیشه‌های معماران دوران خود از غرب‌گرایی مطلق (ساخت مکعب‌های مدرن) تا غرب‌گریزی (در آثار دیبا، سیحون) است که منجر به ایجاد سبک مدرن ملی در اواخر دوره پهلوی دوم شده است.

## واژگان کلیدی

سیر اندیشه‌ها، دوره تجدد، معماری، معماران دوره پهلوی، تحلیل محتوا

این مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان «ارزیابی و نقد اندیشه‌های تأثیرگذار دوره‌ی تجدد بر معماری معاصر ایران» توسط دانشجو سمانه سلطان‌زاده با راهنمایی و مشاوره اساتید آقای دکتر مسعود یوسفی تذکر، آقای دکتر ایمان رئیسی و آقای دکتر مصطفی کیانی هاشمی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل انجام شده است.

\* دانشجوی دکتری تخصصی معماری، گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران

\*\* استادیار دانشکده معماری، گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران (نویسنده مسئول)

myousefy56@gmail.com

\*\*\* استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، گروه معماری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

\*\*\*\* دانشیار، دانشکده معماری، گروه معماری، دانشگاه هنر تهران، تهران، ایران

## مقدمه

گرچه معماری مدرن دوره پهلوی به گذشته نزدیک تعلق دارد و به صورت مختلف و به تفصیل تا حد زیادی مورد بحث، نقد و تفسیر قرار گرفته، ریشه‌یابی و نقد اندیشه‌های تأثیرگذار بر شکل‌گیری و تغییر و تحولات آن (به‌خصوص دوره پهلوی دوم) به سکوت و ابهام گذشته است؛ معماری پهلوی این فرصت را دارد که صاحب روایتی متکی بر اسناد و یقین شود تا تفسیری مبنی بر حدس و گمان. چه نیکوست اگر بتوان از این فرصت استفاده کرد.

در معماری معاصر ایران همواره بحثی به نام هویت چالش‌برانگیز بوده است تا جایی که به‌عنوان یکی از معیارهای نقد معماری مورد توجه قرار گرفته است. نگاه به گذشته به‌عنوان یکی از ابزارهای احیای هویت مورد ملاحظه است و معمار ایرانی با وجود غبطه خوردن به معماری گذشته‌ی خود نتوانسته است آن را به شایستگی بشناسد. از طرفی رویارویی با موضوعات و تفکرات جدید در معماری بحثی است که امروزه با آن مواجهیم و چگونگی برخورد با «دیگری» در تاریخ معماری به شدت به وقوع پیوسته است. از این جهت بررسی این دوران و تحلیل چگونگی تأثیر از دیگری و تغییر خود موضوعی بالارزش است. در دوره‌ی معاصر دیگر کافی نیست که تنها به این اکتفا شود که معماری همچون هر پدیده‌ی دیگر در حال تغییر و تجدید است، بلکه لازم و ضروری است طبیعت این تحول و آغاز و انجام این دگرگونی به‌طور دقیق مشخص گردد (کیانی، ۱۳۷۹: ۱۳۸۶).

از سویی دیگر، تقریباً همه‌ی صاحب‌نظران معماری معاصر در ابتدای یادداشت‌های خود به پژوهش‌های پیشین اشاره کرده و کله‌مند از احساسی و کلی‌گویی آن‌ها هستند. با این وجود در متن پژوهش خود از یافته‌های پیشین بهره نبرده و خود گرفتار دام کلی‌گویی می‌شوند. این پژوهش سعی دارد تا با نگاهی انتقادی به پژوهش‌های پیشین و بهره‌گیری از یافته‌های آنان، بتواند به شناخت درستی از سیر تحول اندیشه‌های معماران دوران پهلوی دست یابد. تحول اندیشه‌ها (معماران) و تنوع سبک‌های معماری از مهم‌ترین عوامل در ایجاد تحولات در معماری معاصر ایران محسوب می‌گردند (آصفی، ۱۳۹۲). متأسفانه عدم شناخت معماران جوان از معماری گذشته و اندیشه‌های معماران آن دوره بر تداوم معماری ایرانی اثر سوء خواهد داشت. سوالات اصلی تحقیق عبارت‌اند از:

اندیشه‌های معماران دوره پهلوی در چه حوزه‌هایی قابل تحلیل و بررسی است؟ سیر تحول اندیشه‌های آنان (دوره تجدد در ایران) در شکل-گیری جریان معماری مدرن چگونه بوده است؟

## پیشینه تحقیق

در حوزه معماری دوره پهلوی، پژوهش‌های متعددی در قالب کتاب، رساله دکتری و مقاله، بالأخص در دو دهه اخیر در نشریات و مجلات مختلف معماری توسط دانش‌پژوهان و متخصصان فن به رشته تحریر درآمده است. در هر یک از این کتب و مقالات، معماری معاصر ایران از منظری خاص و در محدوده زمانی معین مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته که ارزشمند و قابل تقدیر است. در ارتباط با نقش معماران این دوره و اندیشه‌های آنان که موضوع اصلی این پژوهش است، تعداد محدودی مقاله نگاشته شده است. حسن‌پور و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی نقش معماران خارجی در تحولات معماری معاصر ایران و ترکیه در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷ ه.ش»، نقش معماران خارجی در تحولات معماری معاصر ایران و ترکیه در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷ را به دو دوره کلی تقسیم می‌کند و نشان می‌دهد که در دوره نخست، این معماران در بنیان‌گذاری شیوه جدید آموزش معماری و نیز معماری و ساختمان‌سازی در هر دو کشور نقش داشته‌اند و در دوره دوم، نقش معماران خارجی در حوزه آموزش معماری و فعالیت‌های حرفه‌ای در ترکیه، نسبت به ایران محدودتر است. رحیم‌نیا و همکارانش (۱۳۹۶) در مقاله‌ی خود به نقش معماران سنتی در دوره‌ی معاصر پرداخته‌اند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد که دنبال تغییرات شرایط جامعه و نفوذ معماری مدرن، حوزه فعالیت معماران سنتی در معماری دچار رکود و تقریباً در طراحی و نظارت معماری به‌مرور جایگاه خود را از دست داده‌اند؛ ولی در حفاظت از معماری تجربه آن‌ها در معماری گذشته به‌عنوان نقطه مثبتی تلقی و تلاش شده است از آن بهره گرفته شود.

در حوزه نقد پژوهش‌های مربوط به مطالعات معماری دوره پهلوی نیز با محدودیت مواجهیم. حائری در سال ۱۳۸۷، مقاله‌ای با عنوان «نقد بر شرح: ارزیابی انتقادی کتاب «شرح جریان‌های فکری در معماری و شهرسازی ایران» نگاشته است و ناری‌قمی نیز با نگارش مقاله‌ای با عنوان «نقدی بر پژوهش‌های تفسیری تاریخی در خصوص معماری معاصر ایران، نمونه موردی: معماری دوره پهلوی اول» در سال ۱۳۹۴ به نقد پژوهشی مربوط به معماری پهلوی اول پرداخته است؛ بنابراین به نظر می‌رسد تحقیق در حوزه نقد اندیشه‌های تأثیرگذار معماران ایرانی در معماری معاصر از جمله مسائل مهم و ضروری در فضای حاکم بر جامعه‌ی معماری امروز ایران می‌باشد.

## روش تحقیق

با توجه به هدف اصلی پژوهش که شناخت و تبیین سیر تحول اندیشه‌های تأثیرگذار معماران دوره پهلوی بر جریان معماری مدرن است، روش‌های گوناگونی قابل پیشنهاد بود. محققان پیشین از روش‌های گوناگون کمی و کیفی همچون روایت پژوهی، پدیدارشناسی، تحلیل محتوا، نظریه داده بنیاد و مطالعه موردی و روش تحلیل داده در پژوهش‌های تاریخی استفاده نموده‌اند. با توجه به این موضوع که محققان پیشین همگی به سبب عدم توجه به یافته‌های محققین پیشین و اتخاذ رویکردهای که بی‌اعتنا به آن‌ها بود، در دام کلی‌گویی گرفتار شده‌اند. به نظر می‌رسد منابع انتخابی پژوهش، بهتر است پژوهش‌های تاریخی - تفسیری محققان پیشین (در ارتباط با معماری دوره پهلوی) باشد تا به‌جای این که پژوهش حاضر تکرار یافته‌های محققین پیشین باشد بتواند آنان را همچون دانه‌های جدا افتاده تسبیح در کنار هم قرار داده و بتواند به یک نظریه برسد. از این رو رساله حاضر، ماهیتاً توصیفی و تحلیلی بوده و رویکرد اصلی (متدولوژی) آن، رویکرد کیفی است. در این تحقیق سعی شده است تا از جهت‌گیری‌هایی که سبب انحراف از موضوع تحقیق شوند، اجتناب شود.

### شناخت نمونه‌های موردی منابع پژوهش تفسیری - تاریخی معماری دوره پهلوی و روش انجام

در ابتدا سعی شد تا منابع دست‌اول در حوزه ادبیات معماری دوره پهلوی اول و دوم گردآوری شود، از میان این آثار پژوهشی (۵۲ مورد)، شش اثر برای تحلیل محتوا انتخاب شد. شاخص‌های انتخاب نمونه‌های موردی، جامعیت، بداعت و تفاوت نگرش‌های مؤلفان از هم و قرابت موضوعی با هدف پژوهش بود که با روش دلفی (پرسش از خبرگان در قالب پرسشنامه) نمونه‌ها مشخص شدند. در جدول زیر مشخصات این شش اثر پژوهشی ارائه شده است.

جدول ۱- مشخصات نمونه‌های موردی منابع پژوهش تفسیری - تاریخی معماری دوره پهلوی

عنوان	پدیدآورنده	سال چاپ	قالب	موضوع
۱ شرح جریان‌های فکری معماری و شهرسازی در ایران معاصر	سید محسن حبیبی	۱۳۸۵	کتاب	پهلوی اول و دوم
۲ معماری معاصر ایران؛ دگرگونی اندیشه در دوره پهلوی اول	مصطفی کیانی‌هاشمی	۱۳۷۹	رساله	پهلوی اول
۳ سبک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران	وحید قبادیان	۱۳۹۲	کتاب	پهلوی اول و دوم
۴ کتاب معماری معاصر ایران: در تکاپوی بین سنت و مدرنیته	امیر بانی مسعود	۱۳۸۸	کتاب	پهلوی اول و دوم
۵ نگاهی به پیدایی معماری نو در ایران	سیروس باور	۱۳۸۸	کتاب	پهلوی اول و دوم
۶ میراث معماری مدرن ایران	اسکندر مختاری	۱۳۹۰	کتاب	پهلوی اول و دوم

## روش انجام کار

محققین گوناگون، پیرامون مراحل انجام تحلیل محتوای کیفی و یا هر نوع تحقیق کیفی، تقسیم‌بندی‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند. یکی از این تقسیم‌بندی‌ها که در اینجا مورد استفاده قرار گرفته است، سه مرحله آماده‌سازی، سازمان‌دهی و گزارش را در این نوع تحقیق از هم تفکیک می‌کند. با توجه به موضوع تحقیق، محقق در مرحله آماده‌سازی تصمیم می‌گیرد که طی فرایند تحقیق، به پرسش‌هایی از این دست پاسخ دهد: چه کسی می‌گوید؟ چرا این واقعه رخ داده است؟ در چه زمانی رخ داده است؟ چه چیزی رخ داده است؟ چرا رخ داده است؟ پس از فراهم آوردن این مقدمات می‌توان به سازمان‌دهی اطلاعات و سپس ارائه گزارش تحقیق پرداخت (تبریزی، ۱۳۹۳: ۱۲۲).

با استناد به این نکته و فرضیات پژوهش «فرضیه اول: اندیشه‌های معماران دوره پهلوی موجب تغییرات کالبدی و محتوایی در معماری معاصر ایران شده است.» و «فرضیه دوم: سیر اندیشه غالب دوره پهلوی، از غرب‌گرایی تا غرب‌گریزی در معماری این دوره نمود کالبدی و محتوایی پیدا کرده است...»، پرسش عبارت است از: اندیشه معماران دوره پهلوی و نقش آن‌ها در تغییر و ایجاد سبک‌های معماری دوره پهلوی چگونه است؟

پس از طرح پرسش، تمامی متون توسط دو پژوهشگر (جهت بررسی اعتبار یافته‌های پژوهش) جداگانه بررسی و با توجه به واحد تحلیل (پاراگراف‌های داخل متن نمونه‌های موردی)، کدها و مقولات در قالب جداول (همانند جدول شماره ۲) ارائه و مقایسه شدند.

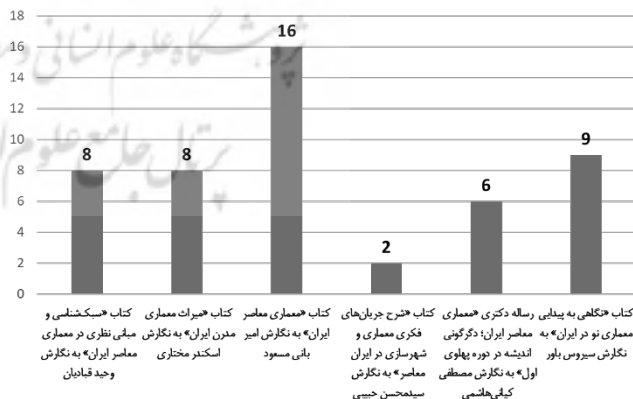
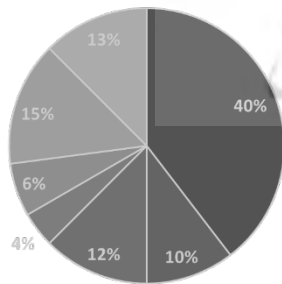
جدول ۲- نمونه‌ای از جداول تحلیل محتوا نمونه‌های موردی

مقوله	کد	پاراگراف کلیدی درون‌متن	سطح تحلیل	پرسش اصلی
اندیشه‌های تأثیر پذیرفته از معماران خارجی	کد ۰۰۱: توسعه امکانات ارتباطی؛ بهره‌گیری معماران از مجلات خارجی	معماری غرب از این دوره در ایران تأثیر بیش‌تری دارند. دلیل آن را باید [...] و توسعه امکانات ارتباطی مانند نشریات، پست، تلگراف و تلفن دانست (ص ۱۳۸). یکی از الگوهای بسیار مهم دانشجویان، آثار معماری منتشرشده در مجلات معروف معماری خارجی بود. در زمان دانشجویی من، پلان‌های بوزار پاریس برای سال‌های اول بسیار مفید بودند. می‌توانستیم در راندها از آن استفاده کنیم. گاهی اساتید مجلات سر کلاس می‌آوردند و پروژه‌های آن را موردنقد و بررسی قرار می‌دادند (اعتصام، ۱۳۸۷: ۲۱).		اندیشه معماران دوره پهلوی و نقش آن‌ها در تغییر و ایجاد سبک‌های معماری دوره پهلوی چگونه است؟
اندیشه‌های مربوط به آثار معماری سنتی ایران	کد ۰۰۲: شیفتگی معماران (به‌عنوان نمونه وارطان) به رضاشاه و تجدد آمرانه وی (۱۸۸)	وارطان شیفته‌ی رضاشاه بود و جزو اولین گروه از معماران ایرانی بود که در تجدد آمرانه‌ی رضاشاه حضوری چشم‌گیر داشت. او در یادداشت‌ها و مقالات خود، معماری مدرن را همچون رویداد کشف حجاب می‌دانست و بر این عقیده بود که همان‌گونه که رضاشاه چادر سیاه را از سر زنان کند و آن‌ها را از قید حجاب رها کنید، معماری مدرن نیز همچون کاری با ساختمان‌های دوره قاجاری نمود و دیوارهای گلی برابر آن‌ها را گرفت و آهن و شیشه همان کار کشف حجاب را نمود. برون‌گرایی ساختمان‌های دوره پهلوی اول، حاصل همین دیدگاه است (بانی‌مسعود، ۱۳۹۲: ۱۸۸)	شخص (معمار)	

## یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاکی از استخراج ۴۱ کد (۸ مورد مشابه) در قالب ۷ مقوله (موضوع اصلی) برای تبیین اندیشه‌های معماران دوره پهلوی است که با توجه به نمودار زیر (شماره ۱) بیش‌تر یافته‌ها مستخرج از کتاب معماری معاصر ایران است. همچنین بیش‌تر کدها (۴۰٪) مربوط به تبیین اندیشه معماران برای تقویت مبانی نظری معماری است.

- اندیشه معماران برای تقویت مبانی نظری معماری
- اندیشه‌های مربوط به ایجاد و تغییر سیستم آموزش معماری
- اندیشه‌های مربوط به آثار و سبک معماری سنتی ایران
- اندیشه‌های مربوط به نحوه تأمین مسکن
- اندیشه‌های تأثیرپذیرفته از معماران خارجی
- اندیشه معماران برای ایجاد فضای گفت‌وگو
- اندیشه معماران برای ایجاد فضای گفت‌وگو



نمودار فراوانی کدهای مستخرج از تحلیل محتوا مربوط به هر مقوله

نمودار فراوانی کدهای مستخرج از تحلیل محتوا

تصویر ۱- نمودار فراوانی کدهای مستخرج از تحلیل محتوا (سمت راست) و نمودار فراوانی کدهای مستخرج از تحلیل محتوا مربوط به هر مقوله (سمت چپ)

با توجه به این یافته‌ها به نظر می‌رسد که معماران پهلوی نقش مستقیم در ایجاد سبک‌های معماری و تنوع‌بخشی به معماری پهلوی داشتند و حتی اثرگذاری آن‌ها به مراتب بیش‌تر از معماران دوره‌های تاریخی پیشین باشد. در ادامه سعی داریم که به این سؤال پاسخ دهیم که سیر



اندیشه‌های معماران دوره پهلوی چگونه بوده است و چه تأثیر و پیامدی بر جریان معماری مدرن این دوره دارد؟ از تحلیل محتوی نمونه‌های موردی به ۷ موضوع اصلی (مقوله) رسیدیم که مبنای تحلیل‌های این پژوهش است. در ادامه به توضیح آن‌ها می‌پردازیم:

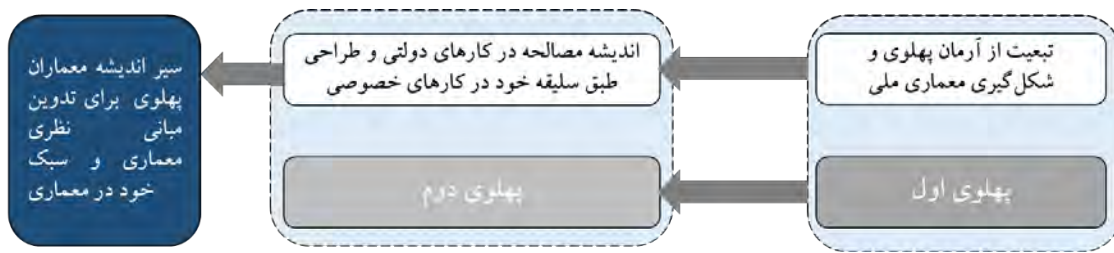
- ۱- اندیشه معماران برای تقویت مبانی نظری معماری؛
- ۲- اندیشه‌های مربوط به ایجاد و تغییر سیستم آموزش معماری؛
- ۳- اندیشه‌های مربوط به آثار و سبک معماری سنتی ایران؛
- ۴- اندیشه‌های مربوط به نحوه تأمین مسکن و تعریف مفاهیم مربوط به آن؛
- ۵- اندیشه‌های تأثیر پذیرفته از معماران خارجی؛
- ۶- اندیشه معماران برای ایجاد فضای گفت‌وگو در حوزه معماری؛
- ۷- اندیشه‌های مربوط به اشتغال معماران؛

**اندیشه معماران دوره پهلوی برای تقویت مبانی نظری معماری:** با توجه به یافته‌های پژوهش و مطالعه‌ی کتب، نشریات دوره پهلوی به راحتی می‌توان نتیجه گرفت که معماران دوره‌ی پهلوی، در طراحی و ساخت پروژه‌های ساختمانی دارای مبانی نظری و پشتوانه‌ی فکری قوی بودند. اگرچه مختاری طالقانی (۱۳۹۰) معتقد است به دلیل نقصان ادبیات معماری تا سال ۱۳۲۵ (که نخستین مجله‌ی معماری ایران منتشر شد)، متأسفانه نمی‌توان به مدارک متنی متکی بر چالش‌های نظری معماران این دوران دست‌یافت؛ اما یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که از آغاز پهلوی اول تا پایان حکومت پهلوی دوم، معماران جسته‌گریخته از تلاش‌های خود برای تدوین سبک سخن به میان آورده‌اند. موضوع قابل توجه در اینجا دو مورد است: (۱) آگاهی معماران این دوره از ضرورت تدوین مبانی نظری و تلاش برای تدوین مبانی نظری سبک خود (۲) تغییر گرایش و رویکردهای معماران دوره پهلوی در خلق آثار خود در طول زمان.

**الف) آگاهی معماران این دوره از ضرورت تدوین مبانی نظری و تلاش آنان برای تدوین مبانی نظری سبک خود:** در ابتدای مطالعه ادبیات معماری دوره پهلوی، به سبب کمبود منابع مکتوب از سوی معماران عصر پهلوی (بخصوص پهلوی اول) به نظر می‌رسید معماران این دوره تاریخی چندان تلاشی برای ثبت آرا و اندیشه‌های خود نداشتند؛ اما تحلیل محتوی نمونه‌های موردی به ما نشان داد که حتی معماران پهلوی اول نیز در جهت مکتوب کردن اندیشه‌های خود گام‌هایی برداشته‌اند. به‌عنوان مثال کریم طاهرزاده بهزاد که به ساخت مدارس در زمان پهلوی اول مشغول بوده است، سعی در مکتوب کردن اندیشه‌های خود داشته است. طاهرزاده<sup>۱</sup> در مقاله‌ی مندرج در کتاب سرآمدان هنر با عنوان «شرایط لازمی ساخت بناهای مدارس»، درصدد بیان عوامل تأثیرگذار در ساخت و طراحی مدرسه است و آن را در نه بند با سر تیتراهای «طرح و شالوده بنا»، «انتخاب مکان بنای مدرسه»، «جنس خاک»، «مسئله‌ی آب»، «مسئله‌ی هوا»، «روشنایی»، «مقاومت و دوام بنا»، «فایده‌ی شیروانی» و «جلوگیری از زلزله» شرح می‌دهد.

تعدادی از مقالات منتشرشده در مجله آرشیوتک نیز نشان از تلاش معماران پهلوی دوم برای انتشار و اشتراک تجربیات و نظراتشان داشت. در هر شماره از مجله به معرفی معماران با عنوان «آرشیوتک‌های ما را بشناسید»<sup>۲</sup> پرداخته است. در دهه ۴۰ و ۵۰، معماران علی‌رغم تلاششان برای شکل دادن به سبک معماری خود، در کارهای دولتی و یا در مواجهه با درخواست‌ها و اصرارهای کارفرما، در اندیشه مصالحه بودند. از این رو شاهد آن هستیم که برخی از معماران در سبک‌های مختلفی کار می‌کردند؛ یکی از این معماران نظام عامری بود. او از اواسط دهه ۱۳۳۰ دفتر معماری خود را در تهران تأسیس کرد و در قالب‌های متفاوتی کار می‌کرد.<sup>۳</sup> عامری در مصاحبه‌ی خود با مجله معمار (۱۳۸۴)<sup>۴</sup> می‌گوید: در کارهای دولتی مجبور به مصالحه بودیم، اما در کارهای خصوصی سعی کردیم مطابق آنچه فکر می‌کردیم درست است، طراحی کنیم. از پل آبکار نیز در یکی از کنفرانس‌هایش سؤال شد چرا از زمانی که به طراحی و ساخت آپارتمان‌های چهار طبقه پرداخت، در آن‌ها اثری از ابتکارات و نوآوری‌های معماری پیشین دیده نمی‌شود و آن‌ها را بسیار معمولی خلق کرده است. او جواب داد، آن‌ها را برای مردم یا کارفرمایان معمولی ساخته‌ام، آن‌ها فقط همین را می‌خواستند (باور، ۱۳۸۸: ۴۴۴).

از جملات بالا می‌توان دریافت کرد که معماران دوره پهلوی دوم در اندیشه مصالحه برای کار دولتی و کارفرمایان معمولی و طراحی طبق سلیقه خود در کارهای خصوصی و خاص بودند. اگرچه معماران پهلوی اول در تبعیت از آرمان‌های باستان‌گرایانه رضاشاه، شروع به استفاده از عناصر معماری باستانی کردند. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که معماری مدرن دوره پهلوی از تبعیت آرمان‌های ناسیونالیستی حکومت پهلوی اول به سوی به‌کارگیری اندیشه‌های شخصی در دوره پهلوی دوم است و این خود استدلالی قوی برای تلاش این معماران در تدوین سبک و توسعه مبانی نظری رشته‌ی معماری است.



تصویر ۲- سیر اندیشه‌های معماران برای تدوین مبانی نظری معماری و سبک خود

**ب) تغییر گرایش و رویکردهای معماران دوره پهلوی در خلق آثار خود در طول زمان:** یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های جریان معماری مدرن دوره پهلوی، تنوع سبکی آن است. این سبک‌ها که عبارت‌اند از معماری سبک سنت‌گرایی، معماری نئوکلاسیک، معماری باستانی (ملی)، معماری مدرن (آرت دکو و آرت‌نو)، معماری سبک بین‌الملل و معماری مدرن ایرانی (همسو با اهداف و غایات معماری پست‌مدرن). به سبب جلوگیری از اطاله‌ی کلام از مرور مجدد بر سبک‌های معماری مدرن در عصر پهلوی که در حد بضاعت نگارنده هم نیست و منابع مختلف هم به تفصیل به آن پرداخته‌اند، خودداری می‌شود. در این قسمت سعی شده است به چستی این سبک‌ها و اندیشه‌های منجر به شکل‌گیری آن‌ها در دوره‌ی پهلوی اول و دوم پرداخته شود. علت تداوم معماری سنتی در دوره‌ی پهلوی اول به چه صورتی بوده است؟ معماران ایرانی آن دوره در ارتباط با به‌کارگیری عناصر سنتی معماری ایرانی در کنار معماری مدرن دارای چه تفکرات و اندیشه‌هایی بودند؟

**معماری سنتی** (یا سبک اصفهانی) در دوره‌ی پهلوی در ساختمان‌های مذهبی چون مساجد که کارفرمای غیردولتی داشت، توانست نمود پیدا کند و به نظر می‌رسد علاوه بر درخواست کارفرما، هنوز فرم جدیدی برای ساخت مساجد در باور معماران ایجاد نشده بود؛ به عبارتی طرح‌واره جدیدی نداشتند یا لزومی برای این کار نمی‌دیدند؛ اگرچه در فضای داخلی شاهد آن هستیم که تزئینات معماری سنتی به قوت خود با درخواست کارفرمایان ادامه می‌یابد. معماری و گچ‌بری‌های ساختمان کاخ شخصی رضاشاه در سعدآباد مؤید این موضوع است که وی در زندگی شخصی خود علاقه‌ روزافزونی به ایرانیت بیش از اسلام ابراز می‌کرد (استوار، ۱۳۹۰). استاد لرزاده در در رابطه با طرح گنبد بیان می‌دارد:

«سپس (رضاشاه) گفت نقشه شیخ لطف ... باید اجرا شود. گفتم یعنی شبیه آن. قدری تند شد و گفت: چرا شبیه باید عین آن اجرا شود. گفتم آنجا (کاشی) معرق است و اینجا هفت‌رنگ؛ یعنی آنجا دست تراش است و اینجا کاشی خشت تهیه‌شده تا زودتر و ارزان‌تر تمام شود... با افسوس فراوان اظهار نمود: شبیه هم باشد اشکالی ندارد» (مفید، ۱۳۸۵: ۴۰).

سبک سنتی در آثار معماران خارجی (همچون نیکلای مارکف و آندره گدار) و یا معماران تحصیل‌کرده از فرنگ برگشته (همچون کریم طاهرزاده بهزاد)، به‌خصوص در نمای بیرونی دیده می‌شود. به نظر می‌رسد که شناخت معماران خارجی از معماری ایرانی و ارزشمند دانستن آن سبب به‌کارگیری سبک سنتی شده است. می‌توان به این عمل به‌عنوان ابزار تبلیغی برای گرفتن طراحی ساختمان‌های دیگر هم اندیشید. لرزاده در مورد طرح سردر ورودی بانک ایران و انگلیس چنین بیان می‌دارد: «استاد حسین ... آمد و گفت بانک ایران و انگلیس با شما کار دارد. به آنجا رفتم و با شخصی به اسم مسترکل برخورد نمودم... گفت که طرح سردری ایرانی به سبک اسلامی می‌خواهد. به او گفتم بهتر است ابتدا طرح را در مقیاس کوچک تر ببیند و چنانچه موردپسند واقع شد کار را شروع کنم...» به نقل از (مفید، ۱۳۸۵: ۲۹).

با بررسی نمونه‌های موردی مربوط به سبک معماری سنت‌گرایی دوره پهلوی اول می‌توان نتیجه گرفت که معماران خارجی و معماران ایرانی از فرهنگ برگشته برای عملکردهای جدید لزومی به استفاده از پلان‌های درون‌گرای ایرانی نداشتند و حس و حال معماری ایرانی را با استفاده از بدنه آجری، قوس جناغی و کاشی‌کاری با نقوش اسلیمی ایجاد می‌کردند. درحالی‌که در طرح‌های بازسازی سعی خود را به کار می‌گرفتند که طرح‌ها از تمامی جهات از معماری سنتی ایران تبعیت کند. برای تقویت این ادعا می‌توان به این نکته اشاره کرد:

طرح اولیه مدرسه دارالفنون که توسط میرزا رضا مهندس باشی انجام‌شده بود، تحت تأثیر معماری نئوکلاسیک غرب قرار داشت. ولی پس از هفتادسال نیکلای مارکف روس، طرح نماهای این مدرسه را به شیوه اصفهانی و بر طبق سنت معماری ایران طراحی و بازسازی نمود (مفید، ۱۳۸۵: ۱۴۵).

باور (۱۳۸۸: ۲۰۶) معتقد است کم‌رنگ شدن معماری سنتی با شروع پهلوی را تنها نمی‌توان تحت تأثیر اندیشه‌های تجدیدطلبانه آن زمان دانست. معماری سنتی ایران تا قبل از سال‌های ۱۳۰۰ به تحلیل و مطالعه و تحریر کامل نیامده بود و هیچ نوع مدرک مستندی از خصوصیات آن‌ها، شکل، فرم، تکنیک نحوه‌ی ساخت و ... به‌صورت فنی در دست نبوده است؛ با این پیشینه و در آن فضای خالی از تحلیل گذشتگان، با

شروع مدارس معماری و تدریس معماران خارجی و یا معماران ایرانی تحصیل کرده در خارج انتظار می‌رود که توجه اندکی به معماری سنتی شود و در مقابل معماری غربی ارزشمند و رواج داده شود. نکات آندرف در این باره می‌گوید: ایجاد سبک معماری ایرانی باید با قدرت و آگاهی باشد، نه این که بگوییم اینجا یک قوس می‌زنیم، بشود معماری ایرانی، نه این درست نیست. این چیزی نیست که به‌زور بشود پیدا کرد؛ بلکه روح ماست که این معماری را طبیعتاً جلوه‌گر کند. نمی‌دانم در معماری خودمان علت این کمبود چیست؟ شاید در این است که مملکتمان را به‌اندازه کافی نمی‌شناسیم (همان، ۳۷۷).

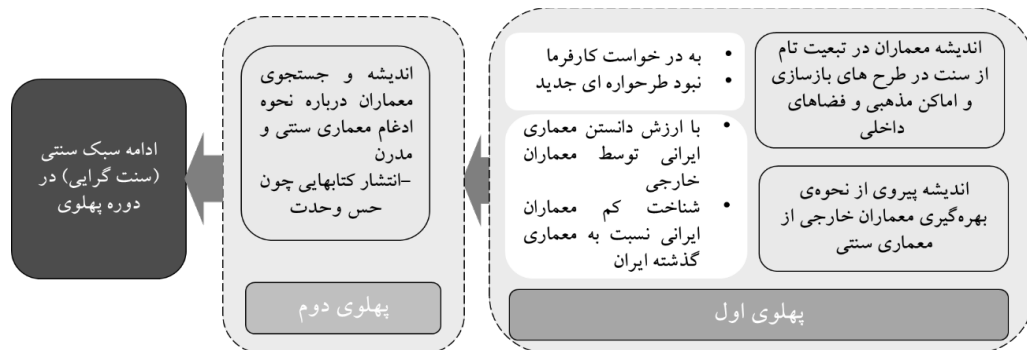
در دهه ۴۰ و ۵۰، مواجه هستیم با دغدغه‌ی معماران ایرانی در استفاده از معماری سنتی و نحوه‌ی ادغام آن با معماری مدرن. در این راستا، دو همایش بین‌المللی با عنوان‌های «بررسی امکان پیوند معماری سنتی با شیوه‌های نوین ساختمان» در شهریورماه ۱۳۴۹ در اصفهان (با حضور لویی کان) و «نقش معماری و شهرسازی در کشورهای در حال صنعتی شدن» در تخت جمشید (با حضور جیمز استرلینگ، حسن فتحی، کنزو تانگه و موشه سفدی) در مهرماه ۱۳۵۳ برگزار شد. توصیه‌های کنگره بین‌المللی معماران در شهر اصفهان، بیان‌گر بینش معماران آوانگارد ایران در اواخر دهه چهل بود و به تبیین مباحث چارچوب معماری آوانگارد (معماری نوگرایی ایرانی) تا زمان انقلاب اسلامی کمک کرد (قبادیان، ۱۳۹۲: ۲۶۷). در جدول زیر نکات مهم که توسط معماران شاخص مطرح شد، ذکر می‌شود:

جدول ۳- نکات مطرح‌شده در باب سنت و معماری در کنگره سال ۱۳۴۹

نام معمار	جمله کلیدی
سردار افخمی، ۷	ارزنده‌ترین و مفیدترین درسی که ما از سنت می‌آموزیم این است که در حوزه معماری، سنت یک قسمت الزامی و غیرقابل انفصال تکنولوژیست.
اردلان، ۳۱	مقصود ما این نیست که با نظر تحیر و اعجاب به گذشته بنگریم، بلکه غرض این است که آگاهی کاملی درباره شالوده و اساس این جامعه و دریافت‌های اساسی آن که برای بشر ازلی است، به دست آوریم.
توصیه‌های کنگره، ۲۷۳-۲۷۲	درک، نگهداری و ترکیب این ثروت تمدن و فرهنگ با بافت فعلی جامعه ایرانی و محیط فیزیکی و مادی آن اجتناب-ناپذیر است. در جریان تحول اجتماعات ایرانی‌اید توجه مخصوصی نسبت به حفظ و تجدید حیات الگوها و نظام بارزش منطقه‌ای و شهری موجود مبذول گردد.
کان، ۹	بناهای انسان را می‌توان به بهترین وضع از طریق درآمیختن هنر و علم بیان کرد که جوامع سنتی آن را کسب کرده-اند و انسان امروز نیز باید به دنبال آن باشد.

به نظر می‌رسد آموزه‌های نظری و تجربیات معماری لویی کان و مباحث مطرح‌شده حسن فتحی<sup>۵</sup> در کتاب معماری برای فقرا در ترویج معماری تاریخ‌گرا و بوم‌گرا در میان معماران ایرانی بسیار پررنگ است. انتشار کتاب حس وحدت به نگارش نادر اردلان و لاله بختیار در سال ۱۳۵۲ که شدیداً تحت تأثیر اندیشه‌های عرفانی سید حسین نصر بود، نیز این ادعا (دغدغه‌ی معماران ایرانی در استفاده از معماری سنتی) را تقویت می‌کند. بانی مسعود (۱۳۹۲: ۲۴۷) معتقد است جریان معماری مدرن ایران از بوم‌گرایی عرفانی مصون نماند و کتاب حس وحدت: سنت عرفانی در معماری ایرانی از زمره‌ی این گرایش‌هاست.

از این رو می‌توان سیر اندیشه معماران مدرن دوره پهلوی را در ادامه سبک سنتی (سنت‌گرایی) چنین تبیین نمود: الف-اندیشه تبعیت تام از سنت در طرح‌های بازسازی و اماکن مذهبی و فضاهای داخلی، ب- اندیشه پیروی از نحوه‌ی بهره‌گیری معماران خارجی از معماری سنتی در نمای بیرونی ساختمان‌ها (پهلوی اول) تا اندیشه بوم‌گرایی عرفانی در دهه ۵۰.



تصویر ۳- سیر اندیشه معماران دوره پهلوی در تداوم سبک سنتی

معماری باستانی (باستان‌گرایی یا معماری ملی) دومین سبک معماری مختص دوره پهلوی است که در دوره پهلوی اول به وجود آمد و پس از سلطنت محمدرضا شاه و آغاز پهلوی دوم خاتمه یافت؛ از این رو به‌راحتی می‌توان نتیجه‌گرفت اندیشه‌ها و عوامل مؤثر را باید در اندیشه‌های رضاشاه و سیاستمداران این دوره جستجو کرد اما به نظر می‌رسد خود معماران این دوره نیز در به وجود آمدن این سبک بی‌تأثیر نبوده‌اند: معماران مهندسان و معماران خارجی که در شروع فعالیت‌های سازندگی به کار فراخوانده شده بودند، بهترین شیوه برای طراحی ساختمان‌های دولتی را الهام گرفته از معماران ایران باستان شناخته و با ترویج آن، معماری تاریخ ایران کهن را، الگوی مناسبی برای استفاده دوران جدید دانستند (باور، ۱۳۸۸: ۶۷).

اگرچه با پایان حکومت پهلوی اول، سبک (معماری باستانی) نه‌تنها کمتر مورد استفاده قرار گرفت؛ بلکه انتقادات فراوانی به این سبک شد: عقل سلیم فریاد زد، دست نگه دارید، مگر می‌خواهید به تهران وضع باغ وحش ناهنجاری دهید، این قدر مجسمه شیر و گاو و غیره چه فایده دارد؟ ... فکر اول یعنی اینکه باید از گذشته تقلید نمود، تحت تأثیر تعصب ملی در اوایل دوره‌ی پهلوی چند قدمی پیشرفت کرده بود و در تهران عماراتی چند به شیوه باستانی ساخته شدند... اما باید تصدیق نمود که نتیجه خوبی از این تجربه به دست نیامد و ثابت شد که نه‌تنها باید از تقلید اسلوب‌های قدیم چشم پوشید، بلکه باید فکر مدرن کردن (آن شیوه‌های باستانی) را نیز از سر بیرون کرد (هوانسیان، ۱۳۲۵).

معماری نئوکلاسیک غرب با خصوصیات منحصر به فرد خود نیز سبکی بود که در دوره‌ی پهلوی اول توانست در آثار این دوران دیده شود. این سبک به سبب توانایی نشان دادن قدرت، شکوه و عظمت، توسط معماران پهلوی اول با معماری سبک باستانی ادغام شده و آثار قابل توجهی خلق شد. همچنین معماری دوره‌ی رضاشاهی در پی خلق کاربری‌ها و فضاهای جدید همچون بانک‌ها بود. به نظر می‌رسد معماران این دوره از خود عملکرد بنا برای ایجاد فرم بنا ایده گرفته‌اند. فروغی از جمله معمارانی است که در طرح بناهای بانک ملی، از این ایده که بانک با عظمت و ابهت خود شاخص حفظ مال مردم است، از این رو باید معماری آن سنگین‌تر و محکم‌تر بنماید (ایده ورتیکالیسم)، در ایجاد فرم معماری آن استفاده کرده است. همین‌طور این نکته که در پهلوی اول به سبب نیاز جامعه، کاربری‌هایی همچون شهرداری، بانک، بیمارستان و مدارس در سراسر کشور در کم‌ترین زمان ممکن بایستی ساخته شود، معماران را به اندیشه رسیدن به یک الگوی واحد در طراحی یک کاربری خاص سوق داده است. به‌طور مثال با بررسی عناصر شاخص و پلان مدارس ساخته‌شده و طرح پیشنهادی طاهرزاده در کتاب سرآمدان هنر با عنوان «مدرسه‌ی صنایع مستظرفه»، می‌توان ویژگی‌های بسیاری یافت که این سه مدرسه بر اساس الگوی واحدی طراحی شده‌اند. به‌گونه‌ای که مجموعه‌ی فضاهای ورودی، اداری و خدماتی در بخش میانی واقع شده‌اند و کلاس‌ها به‌صورت ردیفی و در یک سمت راهروی سرتاسری قرار دارند. فضاهای ارتباطی و کلاس‌ها هر دو از نور مناسب بهره‌مند هستند (بانی مسعود، ۱۳۸۸: ۲۲۰). بررسی بانک‌های ملی طراحی شده توسط فروغی حاکی از یک الگوی ثابت در طراحی آن‌هاست.

ورود اندیشه‌های معماری مدرن را باید در دوره‌ی پهلوی اول جستجو کرد. مکتب معماری مدرن تنها به‌وسیله‌ی دانش‌آموختگان ایرانی از فرنگ آمده که در سال‌های آخر دوره پهلوی اول به ایران بازگشتند به ارمغان آورده و به جامعه شناسانده شد. بررسی آثار معماری مدرن دوره پهلوی حاکی از نوعی معماری التقاطی در اواخر پهلوی اول (مدرن، نئوکلاسیک و باستانی) است که خود معماران شروع به نقد این آثار و سعی در ایرانی کردن معماری مدرن داشتند. وارطان به‌عنوان سبیل این نسل تازه معماران گفته است:

در قرون اخیر معماری هم مانند فنون دیگر رو به انحطاط گذاشت و جای استادان قدیم را اشخاص بی‌اطلاع و اغلب بی‌سواد گرفتند که عاری از هرگونه اطلاع فنی و سلیقه معماری بودند و تلاش آنان برای مطابقت دادن معماری با زندگی جدید مردم منجر به هرج‌ومرج عجیبی گردیده و بهترین نمونه این هرج‌ومرج در آثاری که باقی گذاشته‌اند و در جزئیاتی از قبیل سرستون‌ها، گچ‌بری‌ها و تزئینات سقف‌ها و سایر آرایش‌های بی‌فایده هویداست که بی‌ذوقی و موقع‌شناسی آن‌ها را به وجه اکمل نشان می‌دهد (هوانسیان، ۱۳۲۵)

اندیشه بهره‌گیری از معماری مدرن برای حل مشکلات جامعه به‌خصوص در ساخت خانه‌ها و مجتمع‌های مسکونی در پهلوی دوم در سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ به اوج خود رسیده بود. دیبا در تبیین اندیشه‌های خود (در مورد مسکن) چنین می‌گوید:

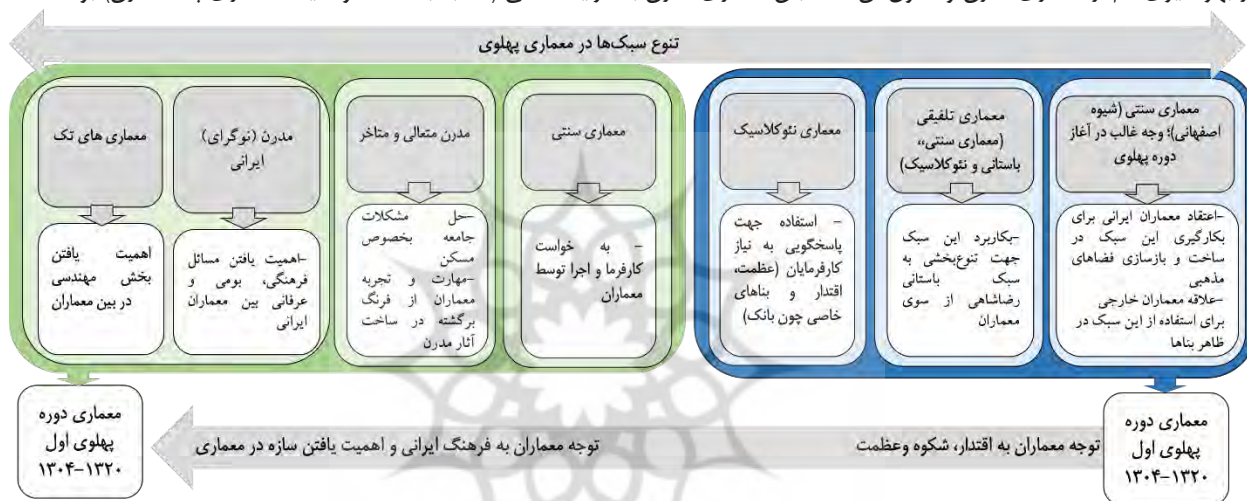
هدف ما این بود که به‌صورت مدل‌های خانه‌های کارگری غربی کار نکنیم. از نظر ما این‌گونه مدل‌ها نه‌تنها غیر مطلوب بلکه به‌هیچ‌عنوان دلپذیر هم نبودند... زندگی روستایی ایرانی با زندگی کارگران اروپایی هم‌خوانی ندارد. از این رو آگاهانه در مورد واحدهای مسکونی از تقلید الگوهای خارجی با تقسیم‌بندی‌های عملکردی پرهیز کردیم (طباطبایی دیبا، ۱۳۸۵).

البته سخنان دیبا، به‌خوبی روشن می‌سازد که معماران دهه ۴۰ و ۵۰، به موضوعات مربوط به زمینه‌گرایی و توجه به خصوصیات فرهنگی و اجتماعی مردم واقف‌اند (shirazi, 2018). سیحون همچنین در شکل‌گیری معماری مدرن ایرانی چنین بیان می‌کند که:



در کار معماری مدرن ایران بعضی‌ها بودند، مثل خود بنده که توجه داشتند که باید به‌هرحال رنگ و بو و مداومت معماری گذشته ما به نحوی در معماری مدرن منعکس شود. باید گفت که شاید قبل از اینکه موضوع پست‌مدرنیسم به وجود آمده بود. در بناهایی که ۳۰ تا ۵۰ سال پیش ساخته شده، خیلی رنگ و بوی پست‌مدرنیسم حس می‌شود. به‌هرحال اگر بخواهیم مدرنیسم را به فارسی ترجمه کنیم حدوداً نوگرایی و تجددخواهی معنی می‌شود... حقیقتاً بایستی فکر ما و دانش ما در خدمت معماری باشد که جواب‌گوی گذشته و حال ما از نظر شکل و فرم هنری روحیاتی که مردم در حال و هوایش (زندگی می‌کنند) باشد (بانی مسعود، ۱۳۸۸: ۱۸۵)

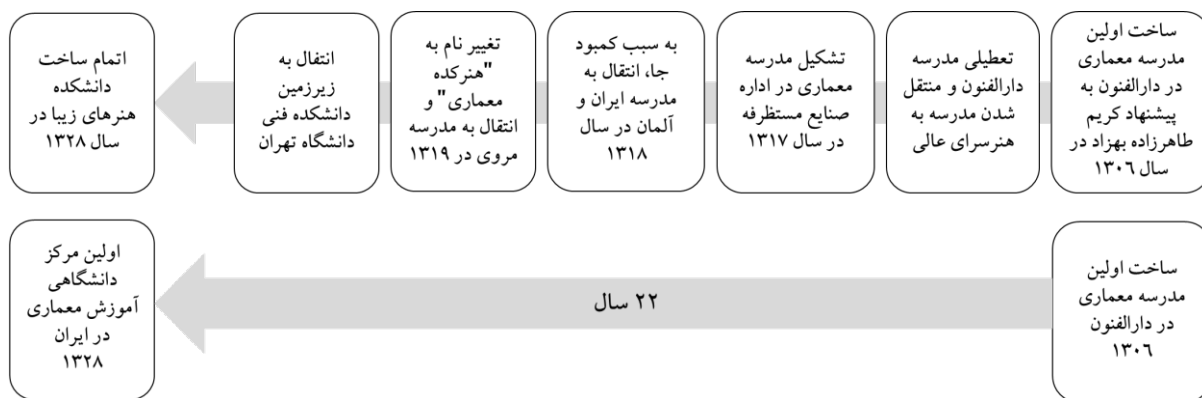
بانی مسعود (۱۳۸۸: ۲۴۷) معتقد است جریان معماری مدرن ایران از بوم‌گرایی عرفانی مصون نماند و کتاب حس وحدت: سنت عرفانی در معماری ایرانی از زمره‌ی این گرایش‌هاست. این کتاب شدیداً تحت تأثیر اندیشه‌های عرفانی سید حسین نصر، توسط نادر اردلان و لاله بختیار در سال ۱۳۵۲ به چاپ رسید. کتاب در اصل خوانش اندیشه‌های نصر است که در حیطه‌ی معماری صورت گرفته است. با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان نتیجه گرفت جریان معماری مدرن ایران دستخوش تغییر و تحول در سیر اندیشه‌های معماران از سنت‌گرایی، باستان‌گرایی، معماری مدرن اولیه (آرت دکو)، زمینه‌گرایی تا بوم‌گرایی عرفانی بوده است. از این‌رو سیر اندیشه‌های معماران پهلوی در بهره‌گیری تام از معماری مدرن و اصول آن تا انطباق معماری مدرن با شرایط محلی (مشابه با اهداف و غایات معماری پست‌مدرن) بود.



تصویر ۳- سیر تحول اندیشه‌های معماران پهلوی در ایجاد تنوع سبکی

**اندیشه‌های معماران در ارتباط با آموزش معماری:** در زمینه‌ی آموزش معماری چهار موضوع دارای اهمیت هستند که به هر یک از آن‌ها پرداخته می‌شود:

**الف- اندیشه‌های معماران برای تأسیس مدارس معماری:** روایت تاریخی از تشکیل مدارس معماری (برای اولین بار توسط کریم طاهرزاده بهزاد در سال ۱۳۹۰ تا دانشکده هنرهای زیبا در سال ۱۳۹۰)، همچنین چاپ مقاله در مورد تاریخچه دانشکده هنرهای زیبا در مجله آرشیتکت به‌خوبی تلاش و اندیشه معماران را در آکادمیک کردن آموزش معماری در دوره‌ی پهلوی نشان می‌دهد.



تصویر ۴- تاریخ آموزش معماری در ایران

ب- **گشایش دانشگاه تهران، افزایش کاوش‌ها و مطالعات باستان‌شناسی و تأثیر آن در تغییر نگرش به تاریخ:** با گشایش دانشگاه تهران و افزایش شناخت و تحقیق در مورد گذشته ایران (با حمایت دولت) و مدون نمودن آن به طریق علمی توسط محققان غربی و بعضاً ایرانی سبب کنار رفتن اسطوره‌های چند هزارساله و توجه به گذشته برآمده از این کاوش‌ها گردید. (قبادیان، ۱۳۹۲: ۱۹۶). آندره گدار، رئیس دانشکده هنرهای زیبا و فروغی نقش مهمی در شناساندن ارزش‌های معماری باستانی داشتند. مسلماً آموزش دانشجویان توسط این اشخاص سبب ایجاد گرایش به تاریخ معماری ایران بین آنان شده است.

ج- **تدریس معماری مدرن در دانشکده هنرهای زیبا (پهلوی دوم):** بانی مسعود (۱۳۸۸: ۲۶۲) معتقد است ردپای معماری مدرن را می‌توان با بررسی کردن پروژه‌های ارائه‌شده دانشجویان در بین سال‌های مذکور پی گرفت. اکثر پروژه‌های خوب دانشکده با انتخاب اساتید و مسئولین آتلیه‌ها در شماره‌های مختلف مجله‌ی هنرهای زیبا به چاپ می‌رسید. با بررسی پروژه‌های چاپ‌شده در مجله می‌توان به روشنی ردپای معماری مدرن را در آتلیه‌های مذکور بین دهه ۳۰ و ۴۰ ملاحظه کرد.

د- **اندیشه‌های تغییر روش تدریس آموزش معماری** از سوی معماران ایرانی تحصیل‌کرده در ایتالیا و انتقاد از مدرنیسم: با اتکا به گفته‌های مختاری (۱۳۸۴: ۱۴۲-۱۴۷) می‌توان دونقطه عطف را در تغییر نظام آموزش معماری نتیجه گرفت. رویداد نخست، تأسیس دومین دانشکده معماری ایران در دانشگاه ملی (شهید بهشتی کنونی) در سال ۱۳۳۹ و رویداد دیگر تغییر تدریجی استادان آموزش معماری از معماران فارغ‌التحصیل فرانسه به استادان فارغ‌التحصیل سایر کشورها (بالخصوص ایتالیا) که سبب انزوای تدریجی آموزش معماری به سبک دانشکده هنرهای زیبا پاریس و ایجاد ابهام در روش تدریس آتلیه‌ای شد. اهمیت دادن به‌دقت در طراحی به‌جای پرزانتی، تأثیر مستقیم فرم از عملکرد و قائل شدن به گرایش‌های مختلف برای دانشجویان در طول دوره‌ی آموزشی از ویژگی‌های تفاوت آموزش معماری در دانشگاه ملی با دانشگاه تهران بود. تشکیل محل اسناد دانشگاه ملی در محل دانشکده سبب شد تا دانشجویان و استادان به امر تحقیق در موضوع معماری اهمیت زیادی دهند.

**اندیشه‌های معماران در ارتباط با آثار معماری باستانی ایران:** همان‌گونه که در بخش قبل بیان شد، معماران دوره‌ی پهلوی اول نیز در ایجاد سبک باستانی و ادامه سبک سنت‌گرایی تأثیر مستقیم داشتند. اگرچه کیانی (۱۳۹۲: ۶۲) معتقد است که انتخاب عناصر معماری باستانی به‌گونه‌ای اجباری نه اختیاری بوده است. صارمی (۱۳۷۶: ۱۴۵) نیز بیان می‌دارد در دوران پهلوی اول، هنرمندان معماری ایرانی و غربی که سازنده بناهای دولتی و آموزشی و صنعتی بودند برای اولین بار با نوعی انتخاب تاریخی روبرو شدند. آنان باید می‌فهمیدند که از چه دوره چگونه و به چه مقدار انتخاب کنند. رجبی (۱۳۵۵: ۴۲) نیز معتقد است ساختمان بانک ملی ایران که در سال ۱۳۰۹ ساخته شد برای نخستین بار معماری باستانی ایران و معماری اروپا را در یکجا عرضه می‌کند. در این بنا نقش فروهر دوباره پس از ۲۵۰۰ سال از طرف دولت با آگاهی تمام، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در مقابل این سخنان، بانی مسعود (۱۳۹۲: ۱۸۸) بیان می‌کند که وارطان شیفته‌ی رضاشاه بود و جزو اولین گروه از معماران ایرانی بود که در تجدد آمرانه‌ی رضاشاه حضوری چشم‌گیر داشت. او در یادداشت‌ها و مقالات خود، معماری مدرن را همچون رویداد کشف حجاب می‌دانست و بر این عقیده بود که همان‌گونه که رضاشاه چادر سیاه را از سر زنان کند و آن‌ها را از قید حجاب رها کند، معماری مدرن نیز همچون کاری با ساختمان‌های دوره قاجاری نمود و دیوارهای گلی باربر آن‌ها را گرفت و آهن و شیشه همان کار کشف حجاب را نمود. برون‌گرایی ساختمان‌های دوره پهلوی اول، ماحصل همین دیدگاه است. به نظر می‌رسد نظر صارمی (۱۳۷۶: ۶۳) مبنی بر این که معماران اگرچه متأثر از فضای سیاسی باستان‌گرایی بودند توانستند با تعدد بناهای ساخته‌شده فضای معماری باستان‌گرایی را تنوع بخشد، بهترین نتیجه‌گیری باشد.

**اندیشه‌های مربوط به ایجاد مسکن و مفاهیم مربوط به آن:** مشکل تأمین مسکن که به سبب مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگی همچون تهران و تبریز از اواخر پهلوی اول اتفاق افتاد، سبب اعتراض برخی معماران مدرن ایرانی و در نتیجه نگارش مقالاتی اعتراضی به کیفیت مسکن و درخواست از دولت برای ساماندهی وضعیت اجتماعی شد. مجله‌ی آرشیستک تریبون مناسبی برای این گفتگو بود. درجایی از این نوشته‌ها آمده است:

افسوس که در قرن بیستم هنوز عده‌ای هستند که منازلشان بدتر از آنچه گزنفون در دو هزار سال پیش از آن‌ها گفت‌وگو نموده است، می‌باشند. گمان می‌کنیم دیوژن در خمره‌اش راحت‌تر از این مردم بوده است، چنان‌که می‌بینیم مدتی است که توده‌های بزرگ از یک ملت رنجبر در این پناهگاه‌های رقت‌بار که تشریح آن از قدرت قلم بر نمی‌آید به سر می‌برند... پادشاهان آمدند و رفتند، دولت‌ها عوض شدند و هیچ تغییر تازه‌ای در وضع این مملکت نکبت‌بار داده نشد (هوانسیان، ۱۳۲۶: ۱۳۹).

در سال‌های دهه ۴۰ و ۵۰، معماران بسیار بیش‌تر از هرزمانی نسبت به معماری مسکن حساسیت نشان‌داده و سعی در بهبود اسکان خانواده‌های ایرانی (بخصوص مسکن آپارتمانی) با توجه به فرهنگ بومی کردند. علیزاده (بسکی، ۱۳۷۵: ۱۰۱) در این باره چنین می‌نویسد: اصولاً در همه‌ی کارهایم می‌کوشم رابطه‌ی آدم را با محیطش متعادل و مسالمت‌آمیز کنم. در بناها اتاقی دنج و جدا می‌ساختم. من آن را برای مردهایی ساختم که می‌دانستم عصرها میهمان به خانه می‌آوردند و مزاحم خانواده می‌شوند، یا برای پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌هایی که بی‌جا و مکان می‌مانند و آزرده می‌شوند... من در همه‌ی خانه‌ها، حتی در همه‌ی خانه‌های معمولی، تلاش کردم اتاقی و جایی به این شکل بسازم، چون رنج پیرزن‌های تنها را دیده‌ام.

**اندیشه معماران برای انسجام جامعه معماران و ایجاد فضای گفت‌وگو:** تشکیل انجمن‌های صنفی در سال ۱۳۲۳ و ۱۳۴۶ حاکی از تلاش معماران پهلوی دوم برای انسجام جامعه معماران برای مقابله و اصلاح معماری آن دوران است. فضای سیاسی موجود در فاصله سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ و آزادی فضای سیاسی، عرصه‌ی فعالی برای گفت‌وگو و انتقادات در همه‌ی زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی بود که جامعه‌ی معماری ایران نیز از این قاعده مستثنا نبودند. چاپ مجله (مجله‌ی آرشیوتکت و مجله‌ی هنر و معماری) به‌عنوان ابزاری برای درج نظرات اعضای دو انجمن (انجمن آرشیوتکت‌های دیپلمه و انجمن آرشیوتکت‌های ایران)، حاکی از اندیشه معماران آن دوره برای ایجاد فضایی برای گفت‌وگو بوده است. بخش‌هایی از سرمقاله اولین شماره‌ی آرشیوتکت، موضع انتقادی معماران پهلوی دوم در خصوصیت وضعیت موجودی معماری در آن سال‌ها را نشان می‌دهد. مشیری در سرمقاله‌ی اولین شماره مجله آرشیوتکت که آن را «هدف ما» نامیده است، به‌خوبی به ترسیم فضای ذهنی حاکم بر جامعه‌ی معماری ایران در این سال‌ها را ترسیم می‌کند:

منظور ما از انتشار این مجله بحث در فنون معماری و شهرسازی و مسائل مربوط به آن‌هاست. ما می‌خواهیم چگونگی آخرین پیشرفت‌های فنون مزبور را به خوانندگان عزیز خود برسانیم. برای آرشیوتکت‌های جوان ایران بسیار ناگوار بود باوجود آشنایی بر رموز و اسرار معماری و شهرسازی و مشاهده اشتباهاتی که در این زمینه در کشور ایران روی می‌دهد ساکت و آرام نشسته و اطلاعات خود را در دسترس کسانی که نیازمند و مشتاق آن‌اند، نگذارند. در نتیجه‌ی همین احساس بود که ما درصدد انتشار این مجله برآمدیم (مشیری، ۱۳۲۵)

در زمینه چاپ مجلات معماری پس از توقف چاپ مجله آرشیوتکت در سال ۱۳۲۷، سیزده سال بعد در سال ۱۳۴۰ مجله «معماری نوین» به سرپرستی وارطان هاوانسیان شروع به کار می‌کند و در سال ۱۳۴۱ مجله دیگری به نام «هنر و مردم» باهدف آشنا کردن عامه مردم با فرهنگ و هنر ایران منتشر می‌شود و سومین مجله با عنوان «هنر و معماری» در سال ۱۳۴۸ توسط عبدالحمید اشراق انتشار می‌یابد (حسن‌پور، ۱۳۹۵).

**اندیشه‌های معماران ایرانی در به‌کارگیری معماری مدرن تحت تأثیر معماران خارجی:** در کل می‌توان اذعان داشت معماران ایرانی به طرق مختلفی تحت تأثیر اندیشه هم‌تایان غربی خود قرار می‌گرفتند و در سال‌های آغازین با توسعه امکانات ارتباطی بیش‌تر از طریق مجلات خارجی با آثار و عقاید آن‌ها آشنا می‌شدند. یکی از الگوهای بسیار مهم دانشجویان، آثار معماری منتشرشده در مجلات معروف معماری خارجی بود. اعتصام (۱۳۸۷: ۲۱) بیان می‌کند:

در زمان دانشجویی من، پلان‌های بوزار پاریس برای سال‌های اول بسیار مفید بودند. می‌توانستیم در راندها از آن استفاده کنیم. گاهی اساتید مجلات سر کلاس می‌آوردند و پروژه‌های آن را مورد نقد و بررسی قرار می‌دادند.

بررسی آثار معماران پهلوی اول و دوم حاکی از آن است که تحت تأثیر اندیشه‌ها و کارهای لوکوربوزیه، اسکار اشترناد و آدولف لوس بودند. روح مدرنیستی گورکیان را می‌توان در طرح خانه‌های مسکونی او دید. این خانه‌ها کاملاً با اهداف مدرن و سبک بین‌المللی طراحی شده‌اند و تحت تأثیر اندیشه‌ها و کارهای اسکار اشترناد و آدولف لوس، به‌خصوص در ساماندهی فضاهای خصوصی و عمومی، سیرکولاسیون فضاهای خصوصی و عمومی، سیرکولاسیون فضای داخلی و از همه مهم‌تر هندسه، مصالح و فضای پر و خالی احجام است. فضاهای نیایشی سبک معماری مدرن همچون نمازخانه ضلع شمالی پارک لاله، طراحی توسط دیبا همگی نشان‌دهنده‌ی اندیشه‌های رایج و لوکوربوزیه بر معماران ایرانی در مورد فضای نیایش و الهیات است. معماران این دوره بر این باور بودند که برای عبادت احتیاج به فضای پوشیده با گنبد نیست و آن را می‌توان یک عامل تکنیکی در دوره‌های قدیم پنداشت. بر پایه‌ی چنین نظریه‌ای، شاهد ساخت مسجد امیر (واقع در امیرآباد، تهران) هستیم. البته تفکرات حسن فتحی در استفاده از مصالح، فرم‌ها و روش‌های اجرایی سنتی با توجه به مقتضیات جدید در معماران پهلوی بی‌تأثیر نبوده است. دعوت از معماران خارجی همچون آلوارتو برای ایراد سخنرانی و بحث و گفتگو در دانشکده هنرهای زیبا توسط میرفندرسکی هم بر اندیشه‌های طراحی معماران ایرانی بخصوص در جریان معماری مدرن ایرانی تأثیرگذار بوده است. البته خود معماران ایرانی نیز از پروژه‌های مهم دنیا بازدید می‌کردند. فرمانفرمایان در ساخت ورزشگاه و راکتور اتمی با استفاده از تجربیات معماران خارجی و بازدید از پروژه‌های مهم دنیا (بازدید از ورزشگاه دانشگاه مکزیکوسینی، بازدید از راکتور اتمی دانشگاه پرینستون) در کمترین مدت توانست نقایص طراحی خود را اصلاح نماید.

اندیشه‌های معماران در ارتباط با حرفه معماری و اشتغالشان: معماران پهلوی از ابتدا سعی در شناساندن حرفه و تخصص خود به جامعه ایرانی بودند. اگرچه نظام مدیریتی غیررسمی معماری در سال‌های آغازین پهلوی اول به عهده‌ی معماران سنتی بود. معماران از فرنگ برگشته و فارغ‌التحصیل دانشکده هنرهای زیبا، به تدریج جای آنان را در نظام دولتی گرفتند. آنان برای تأکید بر توان خود از کلمه آرشیکتک به جای معمار استفاده می‌کردند. ایرج مشیری در مقدمه شماره اول این مجله در تبیین واژه «آرشیکتک» چنین می‌نویسد:

منظر ما از انتشار این مجله بحث در فنون معماری و شهرسازی و مسائل مربوط به آن‌هاست. ما می‌خواهیم چگونگی آخرین پیشرفت‌های فنون مزبور را به نظر خوانندگان عزیز خود برسانیم... شاید گفته شود که با این همه تفصیل چرا یک کلمه بیگانه را به عنوان مجله اختیار کرده‌ایم... به‌طور خلاصه عقیده‌ی ما بر آن است که مفهوم کلمه آرشیکتک وسیع‌تر از آن است که از کلماتی نظیر معمار و غیره به دست می‌آید بعلاوه این کلمه یک جنبه‌ی بین‌المللی داشته و از این‌رو بکار بردن آن تا حدی منطقی به نظر می‌رسد (مشیری، ۱۳۲۵).

قبل از به صحنه آمدن مهندسان مشاور ایرانی در پهلوی دوم، سازمان‌های دولتی، خود دفتر فنی و ساختمانی دایر کرده بودند و تنها امکان فعالیت حرفه‌ای معماران در حوزه‌ی ساخت‌وساز عمومی استخدام در این دفاتر بود. (طباطبایی دیبا، ۱۳۸۰). سازمان برنامه تهیه طرح‌های عمرانی را به مهندسان مشاور خارجی واگذار می‌کرد و مهندسان معمار ایرانی بیش‌تر به ساخت بناهای خصوصی با مقیاس کوچک می‌پرداختند (باور، ۱۳۸۸: ۴۵۰). قبل از رسمیت یافتن نظام‌مهندسی مشاور از طرف سازمان برنامه‌بودجه، معماران ایرانی به روال ساخت‌وساز سنتی فقط با تهیه‌ی طرح اولیه، بدون نقشه‌های اجرایی، با استفاده از روش‌های ساختمانی رایج و با نظارت معمار، ساختمان را بنا می‌کردند. این نحوه کار در مورد خانه‌ها بی‌اشکال، ولی در مورد ساختمان‌های بزرگ و عمومی، مخصوصاً با سرمایه‌گذاری دولتی، غیرممکن بود. طبعاً برگزاری مناقصه بدون نقشه‌های اجرایی کامل و با اکتفا کردن به فهرست‌بها به فهرست‌بها به نتیجه‌ی مطلوب نمی‌رسید.

عبدالعزیز فرمانفرمایان که بنیان‌گذار اولین دفتر معماری با مقیاس بین‌المللی در کشور است، درصدد مشارکت با مهندسان خارجی برآمد و مهندس وایتینگ<sup>۶</sup> شرکت لیچفیلد را برای دیدن دفترش دعوت کرد. در این ملاقات وی متوجه ضعف فنی نقشه‌های اجرایی دفتر خود شد. حادثه‌ی دیگری باعث شد به اهمیت نقش بخش‌های مهندسی در معماری پی ببرد و آن تهیه‌ی طرح ساختمان راکتور اتمی دانشگاه تهران بود. در سال ۱۳۳۶ به مناسبت طراحی این مجموعه از دانشگاه پرینیستون که اینشتین در آن تدریس می‌کرد و صاحب یک راکتور اتمی مشابه بود، دیدار کرد. برای اطمینان خاطر از مهندس سازه وایدلینگر<sup>۷</sup> در نیویورک برای کارهای مکانیکی و برقی از مهندسان گی‌پانرو<sup>۸</sup> که قبلاً در طرح پرینیستون کار کرده بودند، دعوت به کار کرد. خودش می‌گوید:

در اینجا بود که پی بردم در بعضی موارد طرح و ایده‌ی معماری چگونه می‌تواند تحت تأثیر شگفتی‌های مهندسی قرار گیرد. (باور، ۱۳۸۸: ۴۵۱)

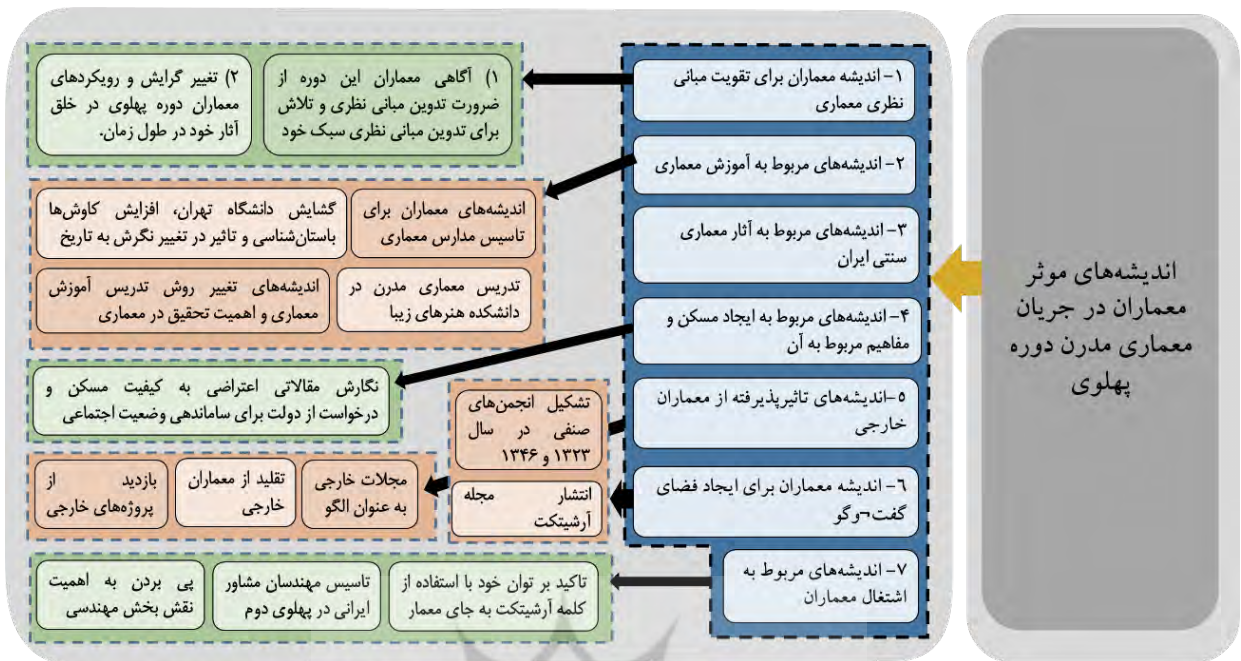
## نتیجه‌گیری

یکی از تغییرات بسیار مهم دوره پهلوی، مکتوب شدن نظریات معماران شاخص (برای اولین بار در تاریخ معماری معاصر ایران) و تلاش آنان برای تبیین مبانی نظری معماری است. شاید کریم طاهرزاده بهزاد را اولین بانی این امر دانست که به تبیین اصول معماری مدارس پرداخته است. سپس چاپ نشریاتی همچون آرشیکتک و درنهایت چاپ کتابی همچون حس وحدت (نادر اردلان)، نشان‌دهنده‌ی مسیر روشن تبیین چارچوب نظری معماری آن دوره است. ماحصل این تلاش‌ها، منجر به ایجاد سبک مدرن ملی شده است؛ از این‌رو می‌توان نتیجه گرفت ایجاد سبک‌های ملی منوط به تلاش معماران برای تدوین مبانی نظری و مکتوب نمودن آن‌ها است.

سیر تحول آموزش معماری در ایران دوره پهلوی، ناشی از اندیشه صحیح معماران، علاقه آنان به بهبود و تغییر آموزش معماری و تعاملات آنان با افراد حکومتی برای تحقق بخشیدن به افکار خود است. لازم به ذکر است که این معماران تنها مشغول به کار تدریس نبودند و کار عملی معماری را هم انجام می‌دادند؛ از این‌رو می‌توان نتیجه گرفت تغییر و بهبود سیستم آموزش معماری در جهت مطلوب منوط به تغییر اندیشه‌های معماران آن دوره و تعامل آنان با سیستم آموزشی است.

در کل می‌توان نتیجه گرفت معماری پهلوی به‌عنوان پدیده‌ای فرهنگی مطابق سیر اندیشه غالب دوره پهلوی، از غرب‌گرایی به غرب‌گریزی دچار تغییر و تحول شده است و جریان معماری مدرنی را ایجاد کرده است که از تقلید معماری مدرن وارداتی به سمت معماری مدرن ملی دچار تغییر و تحول شده است و کانسبت غالب معماری از شکوه و عظمت‌گرایی پهلوی اول به سمت فرهنگ‌گرایی و اهمیت دادن به سازه تغییر یافته است. در نمودار زیر خلاصه‌ای از جریان سازی معماران پهلوی نشان داده شده است.





تصویر ۵- سیر اندیشه‌های معماران دوره پهلوی

### پی‌نوشت

- ۱- از این معمار، کتاب سرآمدان هنر (۱۳۰۲)، سرگذشت لوله‌کشی تهران (۱۳۴۱) و نهضت هنری زمان رضاشاه پهلوی در دو جلد منتشر نشده) به یادگار مانده است.
- ۲- به‌عنوان مثال، بیوگرافی کیقباد ظفر در شماره ۲ مجله آرشیوتکت
- ۳- بیمارستان پارس در بلوار کشاورز، موزه دفینه در خیابان میرداماد و خانه‌هایی که ساخته است، شاید بتواند به نحوی نمایشگر سبک‌های متفاوت کار او باشد.
- ۴- مصاحبه با نظام عامری، معمار، شماره ۳۲، ۱۳۸۴، ۱۱
- ۵- Fathy
- ۶- Whiting
- ۷- Widlinger
- ۸- GUY Panero

### فهرست منابع

- اردلان، ن، و بختیار، ل. (۱۳۷۰). حس وحدت. ترجمه: ونداد خلیلی. تهران: علم معمار.
- استوار، م. (۱۳۹۰). نقش روشنفکران ایرانی در همسوسازی ایران باستان و تجدد در عصر رضاشاه. رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۲۷، ۵۶-۱۱۹.
- آصفی، م، و ایمانی، ا. (۱۳۹۵). ریشه‌یابی و شناخت عوامل دگرگون ساز روح معماری گذشته ایران در گذر زمان، اصالت گذشته، تازگی اکنون. هویت شهر، ۱۹، ۶۳-۷۶.
- اعتصام، ا. (۱۳۸۷). اسرار شیدایی، زندگی‌نامه دکتر ایرج اعتصام- معمار، شهرساز و هنرشناس. تهران: نشر یوشیج.
- بانی، م. (۱۳۸۸). معماری معاصر ایران. تهران: نشر هنر و معماری قرن.
- باور، س. (۱۳۸۸). نگاهی به پیدایی معماری نو در ایران. تهران: نشر فضا.
- بررسی امکان پیوند معماری سنتی با شیوه‌های نوین ساختمان. (۱۳۴۹). ترجمه: انتشارات خانه ترجمه. تهران: وزارت آبادانی و مسکن.

- بسکی، س. (۱۳۷۵). آغازگران معماری امروز ایران: گفتگو با مهندس علیزاده. آبادی، ۲۱، ۱۳-۹۴.
- تبریزی، م. (۱۳۹۳). تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی. فصلنامه علوم اجتماعی. شماره ۶۴، ۱۰۶-۱۳۸.
- حائری، م. (۱۳۸۷). ارزیابی انتقادی کتاب «شرح جریان‌های فکری در معماری و شهرسازی معاصر ایران»؛ نقد بر شرح، آینه خیال، شماره ۸: ۶۸-۷۱.
- حبیبی، س. م. (۱۳۸۵). شرح جریان‌های فکری معماری و شهرسازی در ایران معاصر. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- حسن‌پور، ن.، سلطانزاده، ح.، و بذرافکن، ک. (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی نقش معماران خارجی در تحولات معماری معاصر ایران و ترکیه در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷ ه.ش. مطالعات تطبیقی هنر. ۷، ۱۳، ۱۳۳-۱۴۸.
- حسن‌پور، ن.، و سلطانزاده، ح. (۱۳۹۵). عوامل پس‌زمینه تحولات معماری معاصر ایران در دوران پهلوی دوم و مقایسه تطبیقی آن با ترکیه. باغ نظر. ۱۳، ۴۴، ۳۹-۵۲.
- رجبی، پ. (۱۳۵۵). معماری ایران در عصر پهلوی. تهران: انتشاران دانشگاه ملی ایران.
- رحیم‌نیا، ر.، زمانی‌فرد، ع.، و قرائتی، م. (۱۳۹۶). بررسی تاریخی و تبیین جایگاه حرفه‌ای و نقش معماران سنتی در فرآیند تحولات معماری و مرمت با تکیه بر منابع مکتوب. مرمت و معماری ایران. ۷، ۱۳، ۱۹-۳۴.
- صارمی، ع. (۱۳۷۶). ارزش‌های پایدار در معماری ایران. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- طباطبایی دیبا، ک. (۱۳۸۰). عبدالعزیز فرمانفرمائیان، مروری بر ربع قرن معماری دوره اخیر. معمار. شماره ۱۵، ۶۶-۷۸.
- طباطبایی دیبا، ک. (۱۳۸۵). معماری اسلامی چه چیزی نیست. شارستان ۱۲-۱۱. ۱۳-۱۵.
- فروغی، م. (۱۳۴۰). تحولات ساختمانی در ایران. گلبنگ، ۳، ۱۲۱-۱۲۷.
- قبادیان، و. (۱۳۹۲). سبک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران. تهران: نشر علم معمار.
- کیانی، م. (۱۳۷۹). معماری دوره پهلوی اول، دگرگونی اندیشه‌ها، پیدایش و شکل‌گیری معماری دوره بیست‌ساله ۱۲۹۹-۱۳۲۰، رساله دکتری. دانشگاه تهران. دانشکده هنرهای زیبا.
- کیانی، م. (۱۳۸۶). معماری دوره پهلوی اول، دگرگونی اندیشه‌ها، پیدایش و شکل‌گیری معماری دوره بیست‌ساله ۱۲۹۹-۱۳۲۰. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ دوم.
- مختاری طالقانی، ا. (۱۳۹۰). میراث معماری مدرن ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- مشیری، ا. (۱۳۲۵). هدف ما. آرشیوتکت. شماره ۱. ۱-۲.
- مشیری، ا. (۱۳۲۷). آرشیوتکت‌های ما را بشناسید: محسن فروغی، آرشیوتکت ۶، تیر: ۲۱۹-۲۱۳.
- مشیری، ا. (۱۳۲۵). آرشیوتکت‌های ما را بشناسید: آرشیوتکت وارتان. آرشیوتکت ۱، مرداد-شهریور: ۳۲-۳۷.
- مفید، ح.، و رئیس‌زاده، م. (۱۳۸۵). ماجرای معماری سنتی ایران در خاطرات استاد حسین لرزاده تهران: انتشارات مولی.
- ناری‌قمی، م. (۱۳۹۴). نقدی بر پژوهش‌های تفسیری تاریخی درخصوص معماری معاصر ایران؛ نمونه موردی: معماری دوره پهلوی اول، مطالعات معماری ایران (۷)، بهار-تابستان، ۱۱۰-۹۳.
- هوانسیان، و. (۱۳۲۵). مسائل مربوط به معماری در ایران. آرشیوتکت. ۱. ۴-۹.
- هوانسیان، و. (۱۳۲۶). مسائل مربوط به معماری در ایران. آرشیوتکت. ۴. ۱۳۹-۱۴۰.
- هوانسیان، و. (۱۳۴۸). معماری ایران در دوره‌های سبک ملی و جدید، هنر و معماری ۱، فروردین و اردیبهشت و خرداد، ۲۴۹-۲۵۷.
- Fathy, H. (2010). Architecture for the poor: an experiment in rural Egypt. University of Chicago press
- Shirazi, M. R. (2018). Contemporary Architecture and Urbanism in Iran. Tradition, Modernity, and the Production of 'Space-In-Between.